

تحلیل دعاها و مناجات‌های عرفانی مثنوی معنوی براساس نظریه کنش‌های گفتاری سرل

ریحانه فرجی^۱

علی اکبر افراسیاب پور^{۲*}

ثورالله نوروزی داودخانه^۳

محمد رحیمی^۴

چکیده

دعا و مناجات با پروردگار، از روحانی‌ترین لحظات زندگی هر انسان خداشناس و دین‌مدار است و مثنوی معنوی نیز به‌عنوان شاهکار عرفانی زبان فارسی سرشار از دعا و مناجات‌هایی است که مولانا گاه از زبان خود و گاه از زبان شخصیت‌های مثنوی بیان نموده است. دعا و مناجات‌های مثنوی، دارای کنش‌های گفتاری خاصی است که نشانگر معنی ثانوی آن‌هاست. نظریه «کنش گفتاری» به‌عنوان یکی از مباحث مهم تحلیل گفتمان در حوزه دانش زبان‌شناسی در آغاز توسط «آستین» مطرح شد و سپس، «سرل» طبقه‌بندی پنج‌گانه‌ای را برای آن ارائه داد. پایه نظریه کنش گفتاری سرل بر این استوار است که نقش‌های فعل و به‌دنبال آن جمله را در فرایند گفتمان می‌توان به پنج دسته کنش‌های اظهاری، عاطفی، ترغیبی، تعهدی و اعلامی تقسیم‌بندی کرد. در پژوهش حاضر تلاش شده است به شیوه تحلیل محتوایی و بر مبنای تئوری کنش‌های گفتاری سرل، به تحلیل دعاها و مناجات‌های مثنوی پرداخته شود. نتایج به دست آمده از پژوهش نشان می‌دهد، هریک از دعاها و مناجات‌های مولانا دارای کنش گفتاری خاصی است و از میان طبقه‌بندی پنج‌گانه سرل، «کنش ترغیبی» نسبت به دیگر کنش‌های گفتاری بسامد بالایی دارد و «کنش اعلامی» در آن‌ها به‌کار نرفته است.

واژگان کلیدی:

دعا و مناجات، کنش‌های گفتاری، مثنوی معنوی، مولانا.

^۱ - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد خلخال، دانشگاه آزاد اسلامی، خلخال، ایران.

^۲ - دانشیار دانشگاه شهید رجائی، تهران، ایران. * نویسنده مسئول: ali412003@yahoo.com

^۳ - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران.

^۴ - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد خلخال، دانشگاه آزاد اسلامی، خلخال، ایران.

پیشگفتار

کاربردشناسی یکی از حوزه‌های زبان‌شناسی است که به بحث درباره تأثیر بافت بر معنا می‌پردازد. یکی از نظریه‌های مطرح‌شده در کاربردشناسی زبان، نظریه کنش‌های گفتاری است. در این نظریه معنا نه فقط از دیدگاه مشخصه‌های معنایی و معنای شرایط صدق بررسی می‌شود، بلکه به‌مثابه کنش و عملی تلقی شده و در جهان خارج از زبان، تغییری ایجاد می‌کند. نظریه کنش‌های گفتاری نخستین بار توسط «آستین» در دهه ۱۹۴۰ مطرح گردید و طی درس‌گفتارهایی که وی در دانشگاه ارائه می‌کرد، گسترش یافت و بعدها توسط شاگرد وی سرل، به صورت کامل‌تری در زبان‌شناسی رواج پیدا کرد. نظریه جان آستین که در تحول چرخشی فلسفه قرن بیستم به رویکردهای زبانی، نقش‌آفرین بود، جایگاه ویژه‌ای در فهم زبان دارد. دیدگاه وی به نظریه کنش گفتاری معروف است. نظریه آستین با تحلیل انواع مختلف کارهایی که با کلمات می‌توانیم انجام دهیم، آغاز می‌شود. دیر زمانی است فیلسوفان بر این باورند که زبان به کارگرفته می‌شود تا جهان را بازنمایی کند، یعنی نشان‌دهد که چه هست و چه نیست. به همین دلیل، مفهوم حقیقت، مفهومی مرکزی در فلسفه زبان بوده است. اما آستین مصمم است تا بسیاری از کارهای دیگر را که با کلمات می‌توان انجام داد، نشان‌دهد. ما تنها چیزها را آنگونه که هستند بازنمایی نمی‌کنیم، بلکه پرسش می‌کنیم، فرمان می‌دهیم، لطفه می‌گوییم، وعده می‌دهیم، پیشنهاد می‌کنیم، پند می‌دهیم، تشویق و تهدید می‌کنیم و همه این‌ها با استفاده از کلمات انجام می‌شود. در کاربردشناسی زبان، معنا را از دیدگاه سخنگویان زبان مطالعه می‌کنند. به عنوان مثال در هنگام مکالمه میان دو فرد وقتی یکی از مخاطبین می‌گوید: «سیگاری کشی؟»، در این پاره‌گفتار قصد گوینده از پرسیدن سؤال، آگاهی از کشیدن یا نکشیدن سیگار نیست؛ بلکه گوینده قصد آغاز گفتگو با مخاطب را دارد. دعا و مناجات از جمله کارکردهایی است که ما می‌توانیم به کمک کلمات انجام دهیم.

عرفا در چارچوب کلمات در زمینه‌های متعدد از درگاه خداوند یاری می‌جویند، برای مثال برای طلب توبه، برآوردن حاجات، نجات از مصیبت و... . یک عارف در پیشگاه معبودش، با توبه و درخواست یاری و فریادرسی، سرشار از آرامش می‌شود. او فقط به خداوند توسل می‌جوید و از غیر او چشم‌پوشی پوشد، پس خاضعانه و عاشقانه و با تضرع و درماندگی به درگاه خداوند نیایش می‌کند. عرفان

حوزه انسان و خداست و هیچ غیری در آن نمی‌گنجد، برای انسان تنها پروردگارش در همه امور کافی است و او برای رفع هر نیازی، فقط از محبوب و معبودش یاری می‌خواهد.

عرفا دعا و نیایش را دلیل توفیق و توجه پروردگار می‌دانند و نفس دعاکردن را دلیل بر مقبولیت بنده در بارگاه الهی می‌دانند، زیرا اگر پروردگار عنایت نمی‌کرد، حال دعاکردن به داعی دست نمی‌داد، از این روی، مقبولیت آدمی هرچقدر در ملکوت بیشتر باشد، تمایل دعاکردن در او بیشتر و سوزوگدازش شدیدتر می‌گردد. یکی دیگر از نکات عرفانی در باب دعا، مقبول افتادن دعاست. از دید عرفان، داعی که از روی اخلاص باشد، یقیناً مورد قبول واقع می‌شود و دلیل قبولی این دعا، خود آن دعاست، زیرا داعی اگر مقبول حضرت حق نبود، اجازه ایجاد ارتباط با پروردگار به او داده نمی‌شد و همین سوزوگداز انسان که او را به سوی دعا می‌کشاند، بیانگر محبت خدا و قبولی دعاست. (مظاهری، ۱۳۸۹: ۳۲۹-۳۲۷)

بیان مسأله

اصل اساسی نظریه کنش گفتاری آن است که هیچ مکالمه‌ای در خلأ رخ نمی‌دهد. شناخت و توجه به بافت ضروری است، در تحلیل و تفسیر کنش‌های گفتار هر متنی، توجه به بستریهای اجتماعی، تاریخی و ادبی آن متن اهمیت بسیاری دارد. این دیدگاه مخالف برخی دیدگاه‌های نقدی نوین با ساختگرایی فرانسوی است که متن را بدون در نظر گرفتن بافت گفتگویی و اجتماعی آن بررسی می‌کنند. چنین نگاهی در مطالعه متون مذهبی از اهمیت بسیاری برخوردار است (معصوم و رادمرد، ۱۳۹۴: ۱۴۲). باس بر این باور است که در برخی دوره‌ها مطالعه متون مقدس که مستقیم یا غیرمستقیم تحت تأثیر رویکردهای فوق‌الذکر بوده‌اند، همانند آن‌ها حقایق فرازبانی حاکم بر متن را نادیده گرفته‌اند: بدین ترتیب نظریه کنش گفتاری می‌تواند این اشکال را برطرف نماید» (باس، ۱۹۸۸: ۱۲۶).

پیشینه تحقیق

در این باب، کتاب‌های نظری متعددی وجود دارد، همچنین با در نظر داشتن موضوع کنش گفتار مقاله‌هایی با عنوان زیر به چاپ رسیده‌است که هیچ‌یک به‌طور مستقیم مربوط به بررسی کنش‌های گفتاری دعاها و نیایش‌های عارفانه مولانا در مثنوی نمی‌شود. «تحلیل خطبه پنجاه و یکم نهج البلاغه بر اساس طبقه‌بندی سرل از کنش‌های گفتاری» (فضائلی؛ نگارش، ۱۳۹۰) در این بررسی به کنش‌های گفتاری از منظر دین و سیاست نگاه شده‌است؛ «تحلیل متن‌شناسی زیارت‌نامه حضرت امام رضا بر پایه نظریه کنش گفتار» (پهلوان‌نژاد؛ رجب‌زاده، ۱۳۸۹) در این پژوهش ایجاد ارتباط عمیق عاطفی گوینده با مخاطب یا مخاطبان زیارت‌نامه، مبنای بررسی است؛ «نظریه کنش گفتاری آستین و فهم زبان قرآن» (ساجدی، ۱۳۸۱) به تحلیل گزاره‌های دینی و چندبعدی بودن گزاره‌های اخباری در دین پرداخته‌است.

همچنین، «مقایسه و تحلیل متن‌شناسانه عهدنامه مالک اشتر و خطبه غراء براساس نظریه کنش گفتار» نوشته عاطفه خدایی‌لیقوان و زینب عرب‌نژاد؛ «تحلیل خطبه شانزدهم نهج‌البلاغه براساس نظریه کنش گفتاری سرل» حسن مقیاسی و راضیه گونه‌فراهانی؛ «تحلیل متن‌شناسی سوره بقره براساس نظریه کنش گفتار» از آمنه زارع و سحر زرگری؛ «تأثیر بافت زمانی - مکانی بر تحلیل کنش گفتار؛ مقایسه فراوانی انواع کنش‌های گفتار در سور مکی و مدنی قرآن کریم» به نگارش سیدمحمد حسینی معصوم و عبدالله رادمرد؛ «بررسی کنش‌های گفتار در خطبه یکصدویازدهم نهج‌البلاغه»، نوشته بهزاد قنسولی، از دیگر پژوهش‌هایی است که در حوزه کنش‌های گفتاری انجام گرفته‌است.

درباره دعا و مناجات در مثنوی معنوی پژوهش‌های زیادی انجام گرفته‌است که از آن جمله می‌توان به مقاله «تفسیر عرفانی دعا در مثنوی معنوی» نوشته رامین محرمی؛ مقاله «جایگاه دعا از دیدگاه مولانا» تألیف حسن قربانی و همکاران؛ مقاله «جلوه‌انگیزه‌های ویژه در نیایش‌های مثنوی مولوی» نوشته تقی امینی مفرد و مقاله «دعا از دیدگاه ابن عربی و مولانا» تألیف مریم محمودی و مهدیه ولی محمدآبادی اشاره کرد.

روش تحقیق

برای انجام و تدارک محتوای این پژوهش، از روش کتابخانه‌ای استفاده شده و به منابع ادبی، کتاب‌های مرجع و اصیل، پژوهش‌ها و مقاله‌های علمی مراجعه شده‌است و در پژوهش حاضر که در حوزه تحقیقات نظری قرار دارد، از روش توصیفی - تحلیلی بهره گرفته شده و تجزیه و تحلیل داده‌ها به روش تحلیل محتوایی انجام گرفته‌است.

نگاهی به نظریه کنش‌های گفتاری

نظریه کنش‌های گفتاری آستین به نقش‌های فعل و به‌دنبال آن، جمله در فرآیند گفتمان می‌پردازد. در نظریاتی که آستین در باب کارگفت‌ها ارائه می‌نماید، اغلب هدف گوینده از انجام کارگفت این است که در مخاطب (که جزئی از جهان خارج از وجود گوینده است)، تأثیری ایجاد کند و او را به واکنشی وادارد. اما گوینده یک کارگفت ممکن است از انجام کارگفت اهداف دیگری نیز دنبال نماید. این موضوعی است که سرل آن را در آرای خود مورد توجه قرار می‌دهد.

آستین گفتار را ابزار مبادله اطلاعات می‌داند. بر همین مبنا گروهی «کنش گوینده» را برابر با «گفتن» به‌شمار آورده‌اند (لطفی‌پور، ۱۳۷۲: ۱۰). نظریه سرل بر این مبناست که هر گفتاری یک کنش به-شمار می‌آید (برینتون، ۲۰۰۰: ۳۰۲) که ابتدا بر نظام تکواژها و کلمات موجود در جمله تنظیم می‌شود (سرل، ۱۹۷۹: ۱۸۲). توجه عمیق‌تر به بافت جمله، سبب تغییر نگرش به کنش گفتاری گردیده (اسپیس، ۲۰۰۲: ۴۲۳) که پیامد آن استخراج رفتارها و کنش‌های انسانی از لابه‌لای کنش‌های گفتاری است.

پویترس معتقد است کنش های انسانی از طریق کنش های گفتاری بروز پیدامی کند (پویترس، ۲۰۰۸: ۳۳۷).

گفتار عاملی مؤثر در ایجاد ارتباط میان مردم به شمارمی آید (استابز، ۱۹۸۳: ۱)؛ در نتیجه زبان و گفتار ابزار ارتباطی است که در خدمت برقرارکردن رابطه فرد با اجتماع خویش قرارمی گیرد. با توجه به این امر نقش جامعه شناسی زبان به عنوان الگوی رفتاری جامعه در میان مردم نمایان می شود (باقری، ۱۳۷۷: ۵۹) کنش های گفتاری از دیدگاه سرل به پنج کنش «اظهاری، تعهدی، عاطفی، ترغیبی، و اعلامی» تقسیم می شود:

۱- هدف از «کنش اظهاری» توصیف حالت یا حادثه ای است که گوینده عقیده خود را درباره درستی و نادرستی (صدق و کذب) یک مطلب اظهارمی کند. این کنش، تعهد گوینده را نسبت به صدق گزاره مطرح شده نشان می دهد (صفوی، ۱۳۸۷: ۸۲) به عبارت دیگر در این کنش، گوینده، ادعای صادق بودن عبارت بر زبان جاری شده را دارد.

به طور کلی اظهارات، ادعاها، نتیجه گیری ها، بیانات، تأکیدات، توصیفات و ابراز حقایق و مانند این ها که گوینده در آن، جهان خارج را آن گونه که باوردارد به تصویرمی کشد، دارای کنش اظهاری است. (یول، ۱۹۹۶: ۵۳) به عنوان مثال عبارت هایی چون «من هرگز به اروپا نرفتم» و «فردا هوا بارانی است» دارای کنش اظهاری هستند. گفتنی است افعال کنش اظهاری شامل تأییدکردن، دلیل آوردن، معرفی کردن، توصیف کردن، تفسیرکردن، شرح دادن، تغییر فعالیت دادن، بخشیدن، نفی کردن، اعتراض کردن، نقدکردن، محدودکردن، رهانمودن، ابرازکردن، ادعاکردن، بحث کردن، بیان کردن، پاسخ دادن، تصریح کردن، دسته بندی کردن، دفاع کردن، گفتن، گزارش دادن و ... است (زرقانی و اخلاقی، ۱۳۹۱: ۶۸)

۲- «کنش ترغیبی» به آن دسته از کنش های گفتاری اطلاق می شود که مخاطب را جهت انجام کاری ترغیب می کند و او را در حالت تکلیف و اجبار برای انجام عملی قرارمی دهد. گوینده سعی می کند کاری کند که چیزهایی انجام شود و جهان را با محتوای گزاره ای که شامل عمل آتی شنونده است تطبیق دهد (یول، ۱۹۹۶: ۵۴). به عنوان مثال عبارت های «لطفاً سکوت را رعایت کنید» و «مبادا این دارو را مصرف کنی» دارای کنش ترغیبی است. این کنش، خواست ها و تمایلات گوینده را بیان می کند. نمونه بارز کنش ترغیبی را می توان در پرسش ها و درخواست ها مشاهده کرد. افعال کنش ترغیبی شامل: خواستن، توانستن، بایستن و لازم بودن، دستور دادن، دعوت کردن، اجازه دادن، سؤال کردن، بازخواست کردن، درخواست اطلاعات کردن، توضیح خواستن، تقاضا کردن، درخواست اثبات کردن، توصیه کردن، پیشنهاد کردن، القا کردن، هشدار دادن، به مبارزه طلبیدن، تکرار کردن، دوباره راه انداختن، اصرار و پافشاری کردن، اختار دادن، اعلام نیاز کردن، به مبارزه طلبیدن، توصیه کردن، شرط گذاشتن، نصیحت کردن، التماس و تمنا کردن است (زرقانی و اخلاقی، ۱۳۹۱: ۶۸)

۳- «کنش تعهدی» شامل کنش‌های گفتاری می‌شود که گوینده را نسبت به سیر اعمال آتی متعهد می‌کنند (آلام، ۱۳۸۲: ۲۰۶). به عبارت دیگر، توان منظوری این کنش آن است که گوینده خود را متعهد می‌سازد تا عملی را در آینده انجام دهد (سرل، ۱۹۹۹: ۱۴). افعالی چون قسم خوردن، تعهد دادن، پیشنهاد دادن، قول دادن، توجیه و ثابت کردن و ضمانت کردن نمونه‌هایی از این کنش گفتاری هستند.

۴- «کنش عاطفی» نیز شامل کنش‌هایی هستند که احساسات گوینده را عنوان می‌کنند و بیانگر حالات روانی هستند (یول، ۱۹۹۶: ۵۳) به دیگر بیان، این کنش‌ها بیان حالت روانی گوینده درباره اوضاع و شرایطی است که در محتوای گزاره‌ها مشخص شده است. در این نوع کنش گوینده نه تلاش می‌کند تا جهان بیرون را با کلماتی که بیان می‌کند مطابقت دهد و نه کلمات بیان شده را با جهان بیرون؛ بلکه صدق و حقیقت گزاره بیان شده بدیهی و مسلم فرض می‌شود (سرل، ۱۹۹۹: ۱۵). «ممنونم»، «از این که عزیزتان را ازدست دادید متأسفم» عبارت‌هایی هستند که کنش گفتاری آن‌ها بر عاطفه و احساس دلالت دارد. از جمله افعال مرتبط با این کنش را می‌توان تبریک گفتن، سپاسگزاری کردن، عذرخواهی کردن، تمجید کردن، اظهار تأسف کردن، هجو کردن، سلام دادن، تحسین کردن، سرزنش کردن، خشنود کردن، دشنام دادن، اهانت کردن، تعجب کردن، تشکر کردن، شکایت کردن، خشمگین شدن، خشمگین کردن، ناسپاسی کردن، ناامید شدن و ... را نام برد.

۵- «کنش اعلامی» نیز شامل کنش‌های گفتاری است که به محض بیان آن‌ها، در جهان بیرون تغییراتی واقعی ایجاد می‌شود (سرل، ۱۹۹۹: ۱۷) از آنجا که مؤثرترین این کنش‌ها وابسته به نهادهای اجتماعی و قانونی است، می‌توان آن‌ها را «کنش‌های نهادینه» نامید. در چنین کنشی گوینده با بیان جمله در جهان خارج تغییر ایجاد می‌کند یعنی بین محتوای گزاره‌های جمله و جهان خارج انطباق ایجاد میکند (نجفی‌ایوکی و همکاران، ۱۳۹۶: ۶) افعال کنش اعلامی شامل انتصاب کردن، اعلام نمودن، آغاز کردن، پایان دادن، نام گذاردن، به کارگماردن، محکوم کردن، تحریک کردن، به عقد و ازدواج درآوردن و ... می‌شود. به عنوان مثال عبارت «من شما دو نفر را به عقد یکدیگر درمی‌آورم» داری کنش اعلامی است.

تحلیل کنش‌های گفتاری دعاها و مناجات‌های عرفانی مثنوی براساس طبقه‌بندی «سرل»

۱- کنش اظهاری: مولانا در دفتر دوم مثنوی، در حکایت «انکار کردن موسی (ع) بر مناجات شبان» مناجات شبان با خدا را بیان می‌کند و در آن، جهان خارج را آن گونه که باور دارد به تصویر می‌کشد که نمونه‌ای از «کنش اظهاری» است که در مثنوی بازتاب یافته است:

دید موسی یک شبانی رابه راه کواو همی‌گفت ای خدا و ای اله

تو کجایی تا شوم من چاکرت چارقت دوزم کنم‌شانه سرت

ای خدای من فدایت جان من جمله فرزندان و خان و مان من

جامهات را دوزم و بخیه زنم	تو کجایی تا که خدمت ها کنم
شیر پیشت اورم ای محتشم	جامهات دوزم شپش هایت کشم
من تو را غمخوار باشم همچو خویش	ورتو را بیماری ای آید به پیش
وقت خواب آید برویم جایکت	دستکت بوسم بمالم پایکت
شیر و روغن آرمت هر صبح و شام	گر بدانم خانهات را من مدام
خمره ها چغرات های نازنین	هم پنیر و نان های روغنین
از من آوردن ز تو خوردن تمام	سازم و ارم به پیشت صبح و شام
ای به یادت هی هی و هیهای من	ای فدای تو همه بزهای من
گفت موسی با کی استت ای فلان	زین نمط بیهوده می گفت ان شبان
این زمین و چرخ ازو امدپدید	گفت با انکس که ما را افرید

(مولوی، ۱۳۹۰، دفتر دوم: ۴۳۷)

کنشگر: شبان

کنش پذیر: خداوند متعال

کارکرد کنش: اظهاری

موجب کنش: گفتگو و مناجات شبان با خداوند

خواسته کنش: به تصویر کشیدن و بیان مناجات شبان با خداوند در اثنای حکایت موسی و شبان همچنین مولانا در دفتر ششم، بحث اختیار را پیش می کشد و در مورد نیروی اختیار که در وجود انسان قرار داده است سخن می راند. مولانا در این مناجات که از زبان نوع بشر بیان می کند، «کنش اظهاری» را به عنوان یکی از کارکردهای گفتار، نشان می دهد:

اولم این جزرومد از تو رسید	ورنه ساکن بود این بحر ای مجید
هم از انجا کین تردد دادیم	بی تردد کن مرا هم از کرم
ابتلام می کنی اه الغیبات	ای ذکور از ابتلات چون اناث
تابه کی این ابتلا یارب مکن	مذهبی ام بخش و ده مذهب مکن
اشتری ام لاغری و پشت ریش	زاختر همچو پالان شکل خویش

این کژاوه گه شود این سوگران آن کژاوه گه شود آن سوکشان
 بفکن از من حمل ناهموار را تاببینم روضه ابرار را
 (همان، دفتر ششم: ۳۲)

کنشگر: نوع بشر

کنش پذیر: خداوند متعال

کارکرد کنش: اظهاری

موجب کنش: گفتگو و مناجات نوع بشر با خداوند در مورد نیروی اختیار
 خواسته کنش: بیان دعا و مناجات نوع بشر با خداوند در مورد نیروی اختیار که در وجود انسان
 قرار داده است

۲- کنش ترغیبی: مولانا در پایان قصه طوطی و بازرگان، به مناسبت تفسیر «ماشاء الله کان» در پی فرصتی دیگر برای برقراری ارتباط با معبود و بیان عجز خود و اقرار به قدرت لایزال الهی است. وی توفیق بنده را در سیر وسلوک راه حق و رسیدن به معرفت و کمال، بسته به عنایت حق تعالی دانسته بل بدون آن، وجود خلق را هیچ می داند و حتی عنایات خاصان حق هم برای این بسیج، لازم است و این توجه به عجز و ضعف انسان، باز وی را تضرع و مناجات می خواند و دانش محدود خود را - که به سان قطره‌ای در برابر دریا‌های بیکران دانش و معرفت پروردگار است - عطیه‌ای الهی دانسته و از حضرت حق می خواهد تا با عنایت بی علت و خود این قطره ناچیز را از خاک تن و امیال نفسانی و تعلقات مادی - که هر گونه علمی را ضایع می کند - وارهاند و به دریا‌های معرفت خود متصل گرداند.

ای خدا ای فضل تو حاجت روا با تو یاد هیچ کس نبود روا
 این قدر ارشاد تو بخشیده‌ای تا بدین بس عیب ما پوشیده‌ای
 قطره دانش که بخشیدی ز پیش متصل گردان به دریا‌های خویش
 قطره علمست اندر جان من وارهانش از هوا وز خاک تن
 پیش از آن کین خاکها خسفش کنند پیش از آن کین باد هانشفش کنند
 گرچه چون نشفش کند توقادری کش از ایشان واستانی و اخیری
 قطره‌ای که در هوا شد یا که ریخت از قرینه قدرت تو کی گریخت

گردراید در عدم یا صد عدم چون بخوانیش او کند از سر قدم

(همان، دفتر اول: ۵۴۳-۵۴۴)

کنشگر: مولانا (شاعر)

کنش پذیر: خود شاعر و به طور کلی نوع بشر

کارکرد کنش: ترغیبی، تقاضا

موجب کنش: عجز و ناتوانی نوع بشر

خواسته کنش: مولانا دانش محدود خود را - که بسان قطره‌ای در برابر دریاها بی‌کران دانش و معرفت پروردگار است - عطیه‌ای الهی دانسته و از حضرت حق می‌خواهد تا با عنایت بی‌علت خود این قطره ناچیز را از خاک تن و امیال نفسانی و تعلقات مادی - که هرگونه علمی را ضایع می‌کند - وارهاند و به دریاها معرفت خود متصل گرداند. در واقع کارکرد کنشی که در این دعای مولانا نهفته - است، کارکرد ترغیبی و از نوع تقاضاست.

گاهی شخص درخواست‌کننده، درخواست خود را غیرمستقیم بیان می‌کند، به عنوان مثال، در دفتر اول مثنوی و در حکایت «ظاهر شدن عجز حکیمان از معالجه کنیزک و روی آوردن پادشاه به درگاه اله و در خواب دیدن او ولیی را» پادشاه به درگاه خداوند گریه و زاری می‌کند و غیرمستقیم از خداوند می‌خواهد بیماری کنیزک را شفا دهد:

ای همیشه حاجت ما را پناه بار دیگر ما غلط کردیم راه

لیک گفتمی گرچه می‌دانم سرت زودهم پیداکش برظاهرت

چون برآورد از میان جان خروش اندرآمد بحر بخشایش به جوش

(همان، دفتر اول: ۶۲)

کنشگر: پادشاه

کنش پذیر: خداوند متعال

کارکرد کنش: ترغیبی، تقاضا

موجب کنش: بیماری کنیزک و ناتوانی حکیمان از معالجه

خواسته کنش: شفای بیماری کنیزک و درمان او

از دیگر کنش‌های ترغیبی که در دعاها عرفانی مثنوی دیده می‌شود، دعای دقوقی عارف در حق ساکنان کشتی است که در دریای موج و پرتلاطم گرفتار شده بودند که دقوقی برای نجات آن‌ها دعا کرد و از خداوند درخواست کرد که آن‌ها را نجات دهد.

گفت یارب منگر اندر فعلشان دستشان گیرای شه نیکونشان
 خوش سلامتشان به ساحل بازیر ای رسیده دست تو در بروبحر
 ای کریم و ای رحیم سرمدی درگذار از بدسگالان این بدی
 ای بداده رایگان صدچشم و گوش بی ز رشوت بخش کرده عقل و هوش
 بیش از استحقاق بخشیده عطا دیده از جا جمله کفران و خطا
 ای عظیم از ماگناهان عظیم تو توانی عفو کردن در حریم
 ما ازو حرص خود را سوختیم وین دعا را هم ز تو آموختیم
 حرمت آنکه دعا آموختی در چنین ظلمت چراغ افروختی
 (همان، دفتر سوم: ۳۴۲)

کنشگر: دقوقی (عارف)

کنش پذیر: ساکنان کشتی

کار کرد کنش: ترغیبی، تقاضا

موجب کنش: گرفتار شدن در امواج سهمگین دریا

خواسته کنش: نجات کشتی و سلامت رسیدن ساکنان به ساحل

۳- کنش تعهدی: درحکایت «تعجب کردن آدم علیه السلام از ضلالت ابلیس لعین و عجب آوردن» حضرت آدم (ع) بعد از دیدن گمراهی شیطان، دچار خودبینی می شود و حق تعالی به او متذکر می شود که از خودبینی دوری کند، زیرا قدرت خداوندی می تواند صدها ابلیس را مسلمان کند. حضرت آدم (ع) نیز تعهد می کند دیگر گستاخی نکند:

گفت ادم توبه کردم زین نظر اینچنین گستاخ نندیشم دگر
 یا غیاث المسْتَغِیْثِین اهدنا لافتخار بالعلوم و الغنی
 لاتنزع قلبا هدیت بالکرم واصرف السوء الذی خط القلم
 بگذران از جان ماسوء القضا و امبر ماراز اخوان رضا
 تلخ تر از فرقت تو هیچ نیست بی پناهت غیر پیچاپیچ نیست
 رخت ما هم رخت ما را راه زن جسم ما مرجان ما را جامه کن

دست ما چون پای مارا می خورد بی امان تو کسی جان چون برد

(همان، دفتر اول: ۲۶۹)

کنشگر: آدم ابوالبشر

کنش پذیر: خداوند متعال

کارکرد کنش: تعهدی

موجب کنش: تذکر به آدم ابوالبشر برای دوری از خودبینی و تکبر

خواسته کنش: توبه کردن حضرت آدم از خودبینی و تکبر و دوری از آن

۴- کنش عاطفی: مولانا در دفتر اول مثنوی، در تفسیر دعای دو فرشته ای که هر روز بر سر هر بازاری منادی می کنند و انسان های بخشنده را دعا و انسان های بخیل و تنگ چشم را نفرین می کنند، یکی از کارکردهای عاطفی گفتار، یعنی تشکر و نفرین را، بیان می کند:

کای خدایا منفقان را سیردار هرمشان را عوض ده صد هزار

ای خدایا ممسکان را در جهان تومده الازیمان انبدرزیان

(همان، دفتر اول: ۹۰۵)

کنشگر: دو فرشته ای که دائم به منظور پند ندامی دهند

کنش پذیر: منفقان (انفاق کنندگان) و ممسکان (انسان های بخیل و تنگ چشم)

کارکرد کنش: ترغیبی، تقاضا

موجب کنش: تشویق به انفاق و دوری از تنگ چشمی

خواسته کنش: افزایش دارایی انسان های بخشنده و کم شدن دارایی انسان های بخیل و تنگ چشم

مولانا همچنین در حکایت « به حیلت درسرخن آوردن سایل آن بزرگ را » در دفتر دوم مثنوی از زبان فرد عاقل و خردمندی که خود را به دیوانگی زده است از خداوند بخاطر عقل و دانشی که به او بخشیده است تشکر می کند و یکی از کارکردهای دعا را نشان می دهد:

یارب این بخشش نه حدکارماست لطف تو لطف خفی را خودسزاست

دستگیر از دست ما، مارا بخر پیرده را بردار و پیرده ما مدر

بازخر ما را از این نفس پلید کاردش تا استخوان ما رسید

از چو ما بیچارگان این بند سخت کی گشایدای شه بی تاج و تخت

این چنین قفل گران رای و دود کی تواند جز که فضل تو گشود

ما ز خود سوی تو گردانیم سر چون تویی از ما به ما نزدیکتر

این دعا هم بخشش و تعلیم توست گرنه در گلخن گلستان از چه رست
 در میان خون و روده فهم و عقل جز ز اکرام تو نتوان کرد نقل
 او دوپاره پیه این نور روان موج نورش می‌زند برآسمان
 گوشت‌پاره که زبان آمد ازو می‌رود سیلاب حکمت همچو جو
 سوی سوراخی که نامش گوشه‌است تابه باغ جان که میوه‌اش هوش‌هاست
 شاهراه باغ جان‌ها شرع اوست باغ و بستان‌های عالم فرع اوست
 (همان، دفتر دوم: ۴۷۶)

کنشگر: مرد عاقل که خودش را به دیوانگی زده بود
 کنش پذیر: خود کنشگر و تمامی انسان‌ها
 کارکرد کنش: عاطفی، تشکر
 موجب کنش: مرد عاقل از خداوند به خاطر عقل و دانشی که به او بخشیده تشکر می‌کند
 خواسته کنش: دورنگه داشتن عقل و دانش از وسوسه‌های نفس پلید
 همچنین در حکایت « یافته شدن گوهر و حلالی خواستن حاجبکان و کنیزکان شاهزاده از نصوح »
 بعد از پیدا شدن گوهر و اثبات بی‌گناهی نصوح از اتهام دزدی، به خاطر نجاتش از این گرفتاری، از
 خداوند متعال تشکر می‌کند:

در بن چاهی همی بودم زبون در همه عالم نمی‌گنجم کنون
 آفرین‌ها بر تو بادا ای خدا ناگهان کردی مرا از غم جدا
 گر سر هر موی من یابد زبان شکرهای تو نیاید در بیان
 می‌زنم نعره درین روضه و عیون خلق را یا لیت قومی یعلمون
 (همان، دفتر پنجم: ۳۴۰)

کنشگر: نصوح
 کنش پذیر: خداوند متعال
 کارکرد کنش: عاطفی، تشکر
 موجب کنش: نجات یافتن از تهمت دزدی گوهر گرانقیمت

خواسته کنش: تشکر و سپاس نصح از خداوند به خاطر نجات دادن او از تهمت دزدی گوهر گران قیمت

نتیجه گیری

دعا و مناجات از تعالیم دینی و دعاکردن بیانگر اعتقاد بندگان به سریان مداوم اراده خداوند در کائنات است. در همه ادیان آسمانی متناسب با تلقی و درک مؤمنان از دین، شیوه ها و شکل هایی برای راز و نیاز با معبود فراهم شده است. مثنوی معنوی نیز به عنوان شاهکار عرفانی مولانا، سرشار از دعاها و مناجات های عرفانی است که براساس طبقه بندی پنج گانه «سرل»، دارای کنش های گفتاری خاصی هستند و نمایانگر معنی ثانوی آنهاست. «سرل» کنش های گفتاری را به پنج طبقه اظهاری، تعهدی، ترغیبی، عاطفی و اعلامی تقسیم می کند. هدف از «کنش اظهاری» توصیف حالت یا حادثه ای است که گوینده عقیده خود را درباره درستی و نادرستی (صدق و کذب) یک مطلب اظهار می کند. «کنش ترغیبی» به آن دسته از کنش های گفتاری اطلاق می شود که مخاطب را جهت انجام کاری ترغیب می کند و او را در حالت تکلیف و اجبار برای انجام عملی قرار می دهد. «کنش تعهدی» شامل کنش های گفتاری می شود که گوینده خود را متعهد می سازد تا عملی را در آینده انجام دهد. «کنش عاطفی» نیز شامل کنش هایی هستند که احساسات گوینده را عنوان می کنند و بیانگر حالات روانی هستند. «کنش اعلامی» نیز شامل کنش های گفتاری است که به محض بیان آنها، در جهان بیرون تغییراتی واقعی ایجاد می شود. در چنین کنشی گوینده با بیان جمله در جهان خارج تغییر ایجاد می کند.

در دعاها و مناجات های عرفانی مثنوی «کنش ترغیبی» بسامد بالایی دارد و حدود ۵۵ درصد موارد را شامل می شود و از انواع کنش های ترغیبی، تقاضا و درخواست بیشتر موارد را در بر می گیرد. بعد از کنش ترغیبی، «کنش عاطفی» بسامد بالایی دارد و حدود ۲۵ درصد موارد را شامل می شود و از انواع آن، تشکر و سپاس بیشتر به چشم می خورد؛ همچنین، کنش های «اظهاری» و «تعهدی» نسبت به کنش های ترغیبی و عاطفی، بسامد کمتری دارند و هر یک حدود ۱۰ درصد موارد را شامل می شوند. در دعاها و مناجات های مثنوی، «کنش اعلامی» استعمالی ندارد.

منابع و مأخذ

- ۱) آلام، کر. (۱۳۸۲). نشانه‌شناسی تئاتر و درام. ترجمه فرزاد سجودی. تهران: قطره.
- ۲) باقری، مه‌ری (۱۳۷۷). مقدمات زبان‌شناسی، تهران: پیام‌نور.
- ۳) حسینی معصوم، سیدمحمد و رادمرد، عبدالله. (۱۳۹۴). «تأثیر بافت زمانی - مکانی بر تحلیل کنش گفتار؛ مقایسه فراوانی انواع کنش‌های گفتار در سوره‌های مکی و مدنی قرآن کریم». دوماهنامه جستارهای زبانی. دوره ۶ شماره ۳ (پیاپی ۲۴). صص ۶۵-۹۲.
- ۴) زرقانی، سیدمهدی و اخلاقی، الهام. (۱۳۹۱). «تحلیل ژانر شطح براساس نظریه کنش گفتار». دوفصلنامه علمی - پژوهشی ادبیات عرفانی. شماره ۶. صص ۸۰-۶۱.
- ۵) صفوی، کوروش. (۱۳۸۷). درآمدی بر معناشناسی. چاپ سوم. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
- ۶) لطفی‌پورساعدی، کاظم. (۱۳۷۲). «درآمدی بر سخن‌کاوی». مجله زبان‌شناسی. بهار و تابستان. صص ۴۰-۹.
- ۷) مظاهری‌سیف، حمیدرضا. (۱۳۸۹). تجربه‌های عرفانی در ادیان. چاپ دوم. قم: موسسه بوستان کتاب.
- ۸) مولوی، جلال‌الدین محمد. (۱۳۹۰). مثنوی معنوی. شرح و توضیح کریم زمانی. تهران: اطلاعات.
- ۹) نجفی‌ایوکی، علی و همکاران. (۱۳۹۶). تحلیل متن‌شناسی خطبه شقشقیه براساس نظریه کنش گفتاری «سرل». فصلنامه پژوهشنامه نهج‌البلاغه. سال پنجم. شماره ۱۹. پاییز. صص ۱-۱۷.

منابع انگلیسی

- 10) Brinton, L. J. (2000). The Structure of Modern English: A Linguistic Introduction. Vol.1. Co, Amsterdam.
- 11) Buss, M. J. (1988). "Potential and Actual Interactions between Speech Act Theory and Biblical Studies". Semeia, Italy.

- 12) Poythress, V. R. (2008). Canon and Speech Act: Limitation in Speech at Theory, with Implication for a Putative Theory. West Minster Theoretical journal. 70. Pp. 337-354.
- 13) Sbisà, M. (2002). Speech Acts in Context. Language and Communication, 22, pp. 421-436.
- 14) Searle, J. R. (1979). Expression and Meaning: Studies in the Theory of Speech Acts, Cambridge: Cambridge University Press.
- 15) Searle, J. R. (1999). Speech Acts: An Essay in The Philosophy of Language, New York and Melbourne: Cambridge University Press.
- 16) Stubbs, M. (1983). Discourse Analysis: The Sociolinguistic Analysis of Natural, Cambridge: Cambridge University Press.
- 17) Yule, G. (1996). Pragmatics. Oxford University Press. New York.



An Analysis of Theosophical Prayers and Chants in Masnavi

Reyhaneh Faraji

Phd Student, Persian Literature and Language, Khalkhal Branch, Islamic Azad
University, Khalkhal, Iran

Aliakbar Afrasiabpour

Associate Professor, Shahid Rajaee Teacher Training University, Tehran, Iran, *

Corresponding Author. ali412003@yahoo.com

Sourallah Norouzi Davudkhane

Assistant professor, Department of Persian Literature and Language, Payam-e- Nour

University, Tehran, Iran

Mohammad Rahimi

Assistant professor, Department of Persian Literature and Language, Khalkhal Branch,

Islamic Azad University, Khalkhal, Iran

Abstract

Prayers and supplications to God are one of the most spiritual moments in the life of every theologian and religious person. The prayers and supplications of Masnavi have special verbal actions that indicate their secondary meaning. The theory of "speech action" as one of the most important topics in discourse analysis in the field of linguistics was first proposed by Austin, and after him, Searle proposed a fivefold classification for it. The basis of Searle's theory of speech action is based on the fact that the roles of the verb and the following sentence in the process of discourse can be divided into five categories: expressive, emotional, persuasive, obligatory and declarative actions. In the present study, an attempt has been made to analyze the prayers and supplications of Masnavi based on the method of content analysis, and Searle's theory of speech actions. The results of this research show that each of Rumi's prayers and supplications has a specific speech action among Searle's five categories. The results show that "persuasive action" has higher frequency than the others and "declarative action" is not used

Keywords: Prayers and Supplications, Speech Actions, Masnavi, Rumi